



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۶/۰۷

رفعت حسینی

مقدمه نوشتن و اصف باختری بر کتاب خلیلی!!

در خاکستان افغانستان پدیده بی به نام وقوع «کارهای ناخجسته ناشایسته» ، یک رخداد عادی و روزمره میتواند تلقی و پذیرفته گردد.

یکی از شمار این ناپسندیده کارهایی که بر موازین فرهنگ (دانش) و بر اساسات { معرفت } موازین [دادخواهی] استوار نیست و با دساتیر و شیوه های حکمت انسانی > نیر مغایرت کامل دارد، نگاشتن مقدمه است از سوی اصف باختری بر کتاب «عیاری از خراسان» خلیلی. (چاپ کابل)

خلیل الله خلیلی ، شاعر بشدت خرافه پرست، عیاری از خراسان را برای شرح دادن { نا } عیاری های حبیب الله رهن، مشهور به بچه سقو نگاشته بود. خلیلی فطرتی داشت تنها و تنها پرورده شده برای مداحی و ستایش ستمگر و آشوبگر. چی شاه باشد چی خادم دین رسول الله [بچه سقو] .

در سالهایی که خلیلی به دربار پادشاهی محمد ظاهر شرف! « عزتِ تقرب » یافته بود، وقتی شاه برای شکار مرغابی و لک لک به گرد و نوای کشور میرفت، و یا اگر به سفری خارجی پرواز مینمود، خلیلی پایواز دایمی او بود برای { مثلگی } و انشاد! یک شعر در وصف اعلی حضرت المتوکل علی الله.

در کتاب عیاری از خراسان خلیلی هیچ نوع تحلیلی [اجتماعی / تاریخی] از سرزمین های کابل و کوه دامن و پروان و یا روایات ملهم از خراسان بزرگ، حتا، نیست.

و از آیین افسانوی! عیاری در خراسان و نیز گپهایی از سمک عیار و عیاران دیگر در (روایات!) ، در این جغرافیای «کوه دامن پنجشیر بدخشان بلخ هرات» نیز سخنی و اشاره بی - راز گونه - نمیتوان یافت. مقایسه نمایید تمامی ، همه، کارکردهای یاوه خلیلی را با دستاورد های ارجناک فیض محمدکاتب.

...
محمدشاه و اصف باختری شاعر شناخته شده بی میباشد. و نیز یک شعله بی مائویست. کمونیست آتشین فکر دهه های چهل و پنجاه خورشیدی [تا ۵۷] بود.

آیا و اصف با ذره بین یک کمونیست «خارابین اندیشه» واقف نبود که کتاب عیاری از خراسان خلیلی ، هیچگونه جایی ولو اندک ، در شلف کتابهای < دانش اجتماعی! > ندارد.

آگاهی انقلابی و اصف باختری، آیا، به شاعر مداح یک شاه و برای نویسنده < خرافاتی > کتاب ستایش از ناعیاری یک چپاولگر و راه گیر چون بچه سقو، سرتسلیم و بیعت و سجده فرود آورده است؟؟؟ آن شعرها برای دادخواهی راکه و اصف باختری سروده بود، مگر، باد هوا برد؟؟؟

سال ۱۳۶۰ بود. و اصف مدیر مسئول مجله ژوندون [اتحادیه نویسندگان افغانستان] و من منشی اتحادیه بودیم. صبح وقت و اصف را در حویلی اتحادیه دیدم. گفت:

دیشب تا دیر وقت کتاب عیاری از خراسان را خواندم.

مگر تنها پس از < قوتکان سیاسی > بین کمونیزم در افغانستان و جهاد اسلامی در افغانستان، ناخجستگی هایی می بینیم. همانند مقدمه نوشتن باختری بر کتاب خلیلی!!